

## نگاهی به

## تفسیر فرات کوفی

عبدالله موحدی محب

## مقدمه

قدیم ترین تفسیر قرآن که در شیعه، بلکه به تعبیر مرحوم سید حسن صدر، در اسلام از آن نشانی داریم تفسیر سعید بن جبیر<sup>۱</sup> (شهید در سال ۹۴ یا ۹۵) از اصحاب امام سجاد(ع)<sup>۲</sup> است.

ابن الندیم ضمن اینکه تفسیری به ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار نسبت می دهد، وی را از اصحاب امیر المؤمنین(ع) و مقدم بر سعید بن جبیر می داند. اینکه ابو حمزه دارای تفسیر بوده مورد قبول است، و نجاشی هم در ترجمه وی طریق خود را بدان ذکر کرده است؛<sup>۳</sup> ولی ابو حمزه از اصحاب امیر المؤمنین(ع) نیست، چه آنکه وی به طور مسلم تنها محضر چهار امام را درک کرده است: امام سجاد و امام باقر و امام صادق و امام موسی بن جعفر(ع).<sup>۴</sup> وفات وی در سال ۱۵۰ هـ. اتفاق افتاده و بیش از نیم قرن بعد از سعید بن جبیر هم زنده بوده است و به اصطلاح اگر سعید از تابعین قلمداد می شود، ابو حمزه را باید از اتباع تابعین شمرد.

مرحوم سید حسن صدر در مورد تفسیر سعید بن جبیر فرموده است: لم اعثر علی تصنیف فی تفسیر القرآن قبله.<sup>۵</sup> از این دو بزرگوار که بگذریم شخصیت معروفی که از شیعه در قرن سوم نگارش تفسیر قرآن به او نسبت می دهند و در شمار



تفسیر فرات الكوفي، ابوالقاسم فرات بن ابراهيم بن فرات كوفي، طهران، الطبعة الأولى ۱۴۱۰ هـ / ۱۹۹۰ م.

۱. الفهرست، ابن الندیم، بیروت، ص ۵۱؛ تأسیس الشیعة، ص ۲۲۳.
۲. رجال الطوسی، ص ۹۰.
۳. رجال النجاشی، جامعه مدرسین، ص ۱۱۵، رقم ۲۹۶.
۴. الکنی والالقب، ج ۲، ص ۱۱۸، انتشارات بیدار قم.
۵. قاموس الرجال، جامعه مدرسین، ج ۲، ص ۴۴۴.
۶. تأسیس الشیعة، ص ۲۲۳.

اصحاب ائمه (ع) از او یاد می شود، حسین بن سعید اهوازی از یاران و خواص اصحاب امام رضا و امام جواد و امام هادی (ع) است.<sup>۷</sup>

مرحوم شیخ طوسی در فهرست سی کتاب به وی نسبت می دهد که یکی التفسیر است.<sup>۸</sup> طریق خود را نیز بدان متذکر می شود. نیز نجاشی در ترجمه حسن بن سعید از آن همراه با ذکر طریق نام برده است.<sup>۹</sup>

از زمان دقیق وفات حسین بن سعید اطلاعی در دست نیست تنها می دانیم که در قم وفات یافته است<sup>۱۰</sup>، ولی از آنجا که وی جزء اصحاب امام هادی (ع) نیز بوده و تاریخ وفات آن حضرت ۲۵۴ هـ ثبت شده است،<sup>۱۱</sup> به طور اجمال معلوم می شود که وفات حسین بن سعید مدتی قبل یا بعد از این تاریخ اتفاق افتاده است.

ما از این سه تفسیر و تفاسیر فراوان دیگری که در این فاصله «تا نیمه قرن سوم» یا کمی بعد از آن توسط اصحاب بزرگوار ائمه (ع) نگاشته شده اطلاع چندانی نداریم و تنها در مرور منابعی چون فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی به نام آنها برخورد می کنیم.

البته این سخن پذیرفتنی است که روایات آن تفاسیر به وسیله راه های گوناگون تحمل حدیث، به طبقات بعد از صاحبان تفاسیر رسیده و در لابه لای متون روایی پراکنده شده است، و چه بسا دوباره قابل جمع آوری و بازیافت باشد.<sup>۱۲</sup>

مانند:

۱. تفسیر ابوالجارود منذر بن زیاد که ابن الندیم به عنوان تفسیر امام باقر (ع) از او یاد می کند<sup>۱۳</sup> و همه یا بخشی از آن در لابه لای تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم مندرج است.<sup>۱۴</sup>

۲. الغریب فی القرآن و ذکر شواهد من الشعر؛ از ابان بن تغلب از اصحاب خاص امام سجاد و امام باقر و امام صادق (ع) و متوفی به سال ۱۴۱ هـ.<sup>۱۵</sup>

۳. تفسیر جابر بن یزید الجعفی، از اصحاب امام باقر و امام صادق (ع) و متوفی به سال ۱۲۸ هـ.<sup>۱۶</sup>

۴. تفسیر عبدالرحمن بن وضاح،<sup>۱۷</sup> از اصحاب امام کاظم (ع).<sup>۱۸</sup>

۵. تفسیر فضل بن شاذان نیشابوری، از اصحاب امام رضا و امام جواد و امام عسکری (ع)<sup>۱۹</sup> متوفی به سال ۲۶۰ هـ.

۶. تفسیر حسن بن علی بن فضال که در آغاز فطحی بوده سپس به امامت امام رضا (ع) معتقد و از اصحاب خاص آن حضرت شده و به سال ۲۲۴ هـ وفات یافته است.<sup>۲۰</sup>

۷. تفسیر حسن بن محبوب السراء «الزراء» از اصحاب امام

رضا (ع)<sup>۲۱</sup> متوفی به سال ۲۲۴ هـ.

۸ و ۹. تفسیر ابن عبدک و تفسیر ابو منصور الصرام که شیخ طوسی این دو تفسیر را ستوده است.<sup>۲۲</sup>

۱۰. تفسیر جوامع التفسیر از موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر (ع)<sup>۲۳</sup>.

۱۱. تفسیر علی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) متوفی به سال ۳۲۹ هـ.<sup>۲۴</sup>

۱۲. تفسیر محمد بن العباس بن علی بن مروان، معروف به ابن الحجاج، زنده در سال ۳۲۸ هـ.<sup>۲۵</sup>

۱۳ و ۱۴. دو تفسیر یکی مختصر<sup>۲۶</sup> و دیگری مفصل ولی ناتمام از<sup>۲۷</sup> شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه متوفی به سال ۳۸۱ هـ.

۷. رجال الطوسی، ص ۳۷۲، رقم ۱۷ و ص ۳۹۹ رقم ۱ و ص ۴۱۲، رقم ۶.

۸. الفهرست، نشر الفقاهة، ص ۱۱۲، رقم ۲۳۰.

۹. رجال النجاشی، ص ۵۸، رقم ۱۳۶ و ۱۳۷.

۱۰. بحار الانوار، «مقدمة» ص ۲۱۸؛ بهجة الامال، ج ۳، ص ۲۷۵؛ شرح مشیخة صدوق. ر. ک: فقیه من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۹۰ و ... جناب آقای شیخ محمد علی اردوباری در مقدمه تفسیر فرات چاپ نجف، ص ۲، وفات حسین بن سعید را در مکه دانسته ولی هیچ سند و شاهی ارائه نکرده است.

۱۱. منتهی المقال، مؤسسه آل البیت، ج ۱، ص ۱۹.

۱۲. تفسیر ابو حمزه ثمالی توسط یکی از فضلاء حوزه گردآوری شده و زیر چاپ است.

۱۳. الفهرست، ابن الندیم، ص ۵۱.

۱۴. الذریعه، ج ۴، ص ۳۰۳، ضمن رقم ۱۳۱۶.

۱۵. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۵۱۷، رقم ۶۱؛ رجال النجاشی، ص ۱۱، رقم ۷.

۱۶. همان، ص ۹۵، رقم ۱۵۸؛ رجال النجاشی، ص ۱۲۸، رقم ۳۳۲.

۱۷. همان، ص ۲۸۲، رقم ۹۰۶.

۱۸. رجال الطوسی، ص ۳۵۵.

۱۹. همان، ص ۱۹۸، رقم ۵۶۲.

۲۰. همان، ص ۹۸، رقم ۱۶۴؛ رجال النجاشی، ص ۳۶، رقم ۷۲.

۲۱. همان، ص ۹۷، رقم ۱۶۲؛ معجم رجال الحدیث، آیه الله خوئی، ط ۴، ج ۵، ص ۹۰.

۲۲. همان، ص ۲۸۳، رقم ۹۰۹ و ص ۲۷۷ رقم ۸۷۶. نیز ر. ک: رجال النجاشی، ص ۳۸۲، رقم ۱۰۴۰.

۲۳. همان، ص ۲۴۴، رقم ۷۲۳؛ رجال النجاشی، ص ۴۱۰، رقم ۱۰۹۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۱۷.

۲۴. همان، ص ۱۵۷، رقم ۳۹۲؛ رجال النجاشی، ص ۲۶۱، رقم ۶۸۴.

۲۵. همان، ص ۲۲۸، رقم ۶۵۲؛ رجال الطوسی، ص ۵۰۴، رقم ۷۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۹۹.

۲۶. رجال النجاشی، ص ۳۹۱، رقم ۱۰۴۹.

۲۷. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۲۳۸، رقم ۷۱۰.

غیبت صفرا و از معاصران شیخ کلینی و ابن عقده و علی بن ابراهیم قمی صاحب تفسیر معروف<sup>۳۶</sup> بلکه در طبقه استادان کلینی<sup>۳۷</sup> به شمار می آید.

از ویژگی های زندگی و تاریخ دقیق وفات وی، اطلاعی در دست نیست و سخن بزرگانی چون مرحوم سید محسن امین که فرموده اند وی از اصحاب امام رضا(ع) بوده از نظر تاریخی مردود و فاقد هرگونه پشتوانه است.<sup>۳۸</sup> کلام بعضی از اساتید بزرگوار ما که «فرات بن ابراهیم از اصحاب امام جواد و امام رضا و امام هادی(ع)<sup>۳۹</sup> بوده» نیز ناشی از مسامحه و یا ابهام در عبارت بعضی از منابع رجالی معاصر<sup>۴۰</sup> است. حتی این سخن که وی از رجال عصر امام جواد(ع) بوده<sup>۴۱</sup> است، با توجه به تاریخ شهادت آن حضرت (آخر ذی قعدة ۲۲۰هـ)<sup>۴۲</sup> به نظر بسیار بعید می آید و سخن مرحوم سید حسن صدر که فرموده «... و هو من علماء عصر الجواد(ع)<sup>۴۳</sup>» از همه شگفت انگیزتر است.

از پیشینیان اصحاب رجال، مانند شیخ طوسی و نجاشی و کشی(ره) و نیز اوائل متأخران، مانند علامه حلی و ابن داود و به دنبال آنان بزرگانی چون مرحوم اردبیلی در جامع الرواة هیچ کدام

۱۵. تفسیر علی بن الحسن الفضال که فطحی است، ولی به امامیه خیلی نزدیک<sup>۲۸</sup> بوده است.

۱۶. تفسیر احمد بن محمد بن خالد برقی، متوفی به سال ۲۷۴ یا ۲۸۰هـ.<sup>۲۹</sup> که اغلب با یک واسطه از امام صادق(ع) روایت می کند.<sup>۳۰</sup>

۱۷. تفسیر احمد بن صبیح الاسدی که زیدیه ادعا می کنند وی از آنها است، ولی شیخ طوسی این ادعا را مردود دانسته است.<sup>۳۱</sup>

۱۸. تفسیر ابراهیم بن حکم بن ظهیر الفزاری، از سنی که معلوم نیست این تفسیر از خود ابراهیم بن حکم بوده یا از پدرش به جهت اختلاف نسخه های فهرست و رجال نجاشی.<sup>۳۲</sup>

۱۹. تفسیر ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی صاحب «الغارات»، متوفی به سال ۲۸۳هـ.<sup>۳۳</sup> در اصفهان.

۲۰. تفسیر احمد بن الحسن الخزاز.<sup>۳۴</sup> و تفاسیر فراوان دیگری که دست روزگار بیشترینه آنها را به طوفان تباهی سپرده تنها نام<sup>۳۵</sup> یا دست آخر بخشی از روایات آنها به طبقات بعدی انتقال یافته است. بدین روی داورى نسبت به چند و چون آنها بسی دشوار است. یافتن نشانی از آنها فراتر از آنچه گفته شد همتی والا و فراغتی در خور و تبسعی گسترده و محققانه می طلبد.

### تفسیر فرات

از جمله آثاری که تندباد حوادث نتوانسته است آن را از ریشه نابود سازد و از کوران بلاها و دامن امواج سهمگین تهاجمات دشمنان به ساحل امن این دوران رسیده کتاب معروف به تفسیر فرات منسوب به ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، زنده در سال ۳۰۷هـ. است.

این اثر از نظر تاریخی تقریباً بعد از تمام تفاسیر یاد شده از اصحاب ائمه(ع) و در طبقه بعد از حسین بن سعید اهوازی و در ارتباط تنگاتنگ با او به شمار می رود؛ به حدی که در این کتاب نزدیک به صد مورد مستقیماً از آن بزرگوار نقل روایت شده است.

### فرات بن ابراهیم کیست؟

آنچه به صورت اجمال می توان گفت اینکه فرات بن ابراهیم از رجال نیمه دوم قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری و دوران

۲۸. همان، ص ۱۵۷، رقم ۳۹۱؛ رجال النجاشی، ص ۲۵۸، رقم ۶۷۶.

۲۹. ر.ک: جامع الرواة، مکتبه المصطفوی، قم، ج ۲، ص ۲ و ج ۱، ص ۶۳.

۳۰. ر.ک: مقدمه مرحوم محدث ارموی بر المحاسن، ص ۳.

۳۱. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۶۶، رقم ۶۸؛ رجال النجاشی، ص ۷۸، رقم ۱۸۴.

۳۲. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۳۵، رقم ۴؛ رجال النجاشی، ص ۱۵، رقم ۱۵.

۳۳. همان، ص ۳۷، رقم ۷؛ رجال النجاشی، ص ۱۸، رقم ۱۹. همچنین ر.ک: مقدمه بسیار پرمایه مرحوم دکتر میر جلال الدین محدث ارموی به کتاب الغارات، ط سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵هـ. ق.

۳۴. همان، ص ۸۳، رقم ۱۰۵.

۳۵. ر.ک: الفهرست، ابن الندیم، ص ۵۱ و ۵۰.

۳۶. ر.ک: الدرریمه، ج ۴، ص ۳۰۲.

۳۷. ر.ک: الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۹.

۳۸. اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۹۶.

۳۹. ر.ک: اصول علم الرجال (تقریرات درس استاد آیه الله شیخ مسلم داورى) سال ۱۴۱۶هـ. ق، ص ۲۸۹.

۴۰. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۳، رقم ۲۵۲، رقم ۹۳۰۵؛ نیز الدرریمه، ج ۴، ص ۲۹۸، رقم ۱۳۰۹.

۴۱. ر.ک: مقدمه چاپ جدید کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق محمد باقر الانصاری الزنجانی، نشر الهادی، ج ۱، ص ۱۳۰؛ نیز مقدمه تفسیر فرات کوفی، چاپ نجف، ص ۲.

۴۲. منتهی المقال، ج ۱، ص ۱۸؛ تمة المنتهی، محدث قمی، ص ۲۲۰.

۴۳. تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، ص ۳۲۲.

المعتبره وحسن الضبط فی نقلها مما يعطى الوثوق بمؤلفه وحسن الظن به ... هر چند در الوجیزه، او را جزء ناشناختگان بر شمرده است. ۵۳

۲. مرحوم میرزا عبدالله افندی شاگرد علامه مجلسی (متوفی به سال ۱۱۳۰) در ریاض العلماء تنها سخنی که بیش از علامه مجلسی آورده این است: من قدماء علماء الاصحاب و رواهم صاحب التفسیر المشهور ... سپس همان سخنی را که از مرحوم مجلسی نقل کردیم، آورده و گویا خواسته حاشیه ای هم داشته باشد و یاد داشته است و به دست ما نرسیده است؛ چه آن که بعد از نقل کلام مجلسی گفته است: و اقول: ... ۵۵ که بعد از آن گویا در نسخه خطی سفید بوده است.

۳. مرحوم میرزا محمد باقر خوانساری (متوفی به سال ۱۳۱۳) ۵۶

۴۴. به عنوان نمونه ر. ک: امالی صدوق، چاپ مترجم، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۵ هـ. ق، مجلس دوم، حدیث سوم، ص ۷، و مجلس ۲۶، حدیث ۸، ص ۱۲۵ و مجلس ۳۹، حدیث ۱۰، ص ۲۲۲ و مجلس ۵۸، حدیث ۸، ص ۳۶۵ و مجلس ۶۳، حدیث ۱۱، ص ۴۰۷ و مجلس ۸۳، حدیث ۴، ص ۵۶۵ و مجلس ۶۹، حدیث ۲، ص ۴۴۹؛ نیز ر. ک: عیون اخبار الرضا، چاپ علمی تهران، ج ۱، ص ۲۰۴، باب ۲۶، حدیث ۲۲.

۴۵. اقبال الاحمال، سید رضی الدین بن طاووس، ط جدید، ج ۲، ص ۲۶۴ و ط سنگی با تصحیح شهید شیخ فضل الله نوری، ص ۴۶۶.

۴۶. الیقین باختصاص مولانا امیر المؤمنین بامرة المؤمنین، المطبعة الحیدریة، النجف، سال ۱۳۶۹، ص ۱۵۷.

۴۷. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۶، المكتبة الاسلامیة، تهران.

۴۸. ر. ک: الفریعة، ج ۴، ص ۲۹۹.

۴۹. حدود ۷۵ مورد. ر. ک: فهارس شواهد التنزیل، اعداد مجمع احياء الثقافة الاسلامیة، ص ۲۴۶.

۵۰. فضل زیارة الحسین، عبدالله العلوی الشجری، نشر مکتبة آية الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ هـ. ق، صفحات، ۴۹، ۶۴، ۶۸، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ...

۵۱. ر. ک: شرح توحید صدوق، قاضی سعید قمی، تصحیح دکتر نجفقلی حبیبی، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱، صفحات ۲۵۲ و ۴۷۲ و ۶۰۰.

۵۲. در مورد تفسیر مرآت الاتوار و مؤلف اصلی وی، ر. ک: الفریعة، ج ۲۰، ص ۲۶۴ و مستلوك الوسائل، چاپ سنگی، ج ۳، ص ۳۸۵ و چاپ حروفی، ج ۲۰، «الخاتمة» ج ۱۲ ص ۵۵؛ نیز ر. ک: النوادر فی جمع الاحادیث، مولی محسن فیض کاشانی، انتشارات کتابفروشی کتبی نجفی، قم، ص ۲۵۵ و ۳.

۵۳. بحار الاتوار، ط بیروت، ج ۱، ص ۳۷؛ نیز الوجیزه، ط سنگی، ۱۳۱۲ هـ، ضمیمه خلاصه علامه، ص ۱۶۱.

۵۴. زهر الریاض فی ترجمة صاحب الریاض، آية الله مرعشی نجفی چاپ شده در مقدمه ریاض العلماء، ص ۲۲.

۵۵. ریاض العلماء، نشر مخطوطات مکتبة آية الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۱ هـ، ج ۴، ص ۳۲۷.

۵۶. مقدمه رساله «النهریة» سلسلة المخطوطات، چاپ اصفهان، ۱۳۷۷، نویسنده: میر سید احمد روضاتی، ص ۴۶.

از وی یادی نکرده اند؛ با این که نامش در سلسله اساتید صدوق<sup>۴۴</sup> و اسناد بعضی از روایاتی که مرحوم سید بن طاووس در اقبال<sup>۴۵</sup> و کتاب الیقین<sup>۴۶</sup> آورده به فراوانی دیده می شود.

مرحوم شیخ حر عاملی هم که از کتاب تفسیر فرات در وسائل الشیعه استفاده کرده و آن را جزء منابع مورد اعتماد شمرده<sup>۴۷</sup> در کتاب امل الامل هیچ از او نام نبرده است.

با این که تا پس از نزدیک دو قرن از مرگ وی تفسیرش مورد استفاده بوده است و حسن بن محمد بن سعید هاشمی و علی بن بابویه قمی<sup>۴۸</sup> از آن برای شیخ صدوق حدیث روایت کرده اند و عبیدالله بن عبدالله بن احمد معروف به حاکم حسکانی از علمای عامه در قرن پنجم هجری در کتاب معروفش شواهد التنزیل<sup>۴۹</sup> و عبدالله بن محمد بن علی بن الحسن العلوی (متوفی به سال ۴۴۵) در کتاب فضل زیارة الحسین به واسطه محمد بن احمد<sup>۵۰</sup> بن ولید (از مشایخ صدوق) از او حدیث نقل کرده اند، اما از قرن ششم به بعد دیگر نامی از او برده نشده است. ابن شهر آشوب (متوفی به سال ۵۸۸) نه در آغاز مناقب، نامی از وی و کتابش برده و نه در معالم العلماء از او یاد کرده است. عالم بزرگ معاصرش متعجب الدین (متوفی حدود ۶۰۰) نیز در فهرست از او نامی نیاورده است.

اما پس از حدود هشت صد سال از مرگ وی، در قرن یازدهم هجری نسخه هایی از تفسیر فرات به دست بزرگانی از شیعه رسیده است؛ مانند شیخ حر عاملی (متوفی به سال ۱۱۰۴ هـ) و قاضی سعید قمی (متوفی به ۵۱ سال ۱۱۰۷ هـ) و علامه مجلسی (متوفی به سال ۱۱۱۱ هـ) و معاصر نامدارش شیخ محمد المشهدی صاحب تفسیر کنز الدقائق (زنده تا سال ۱۱۳۵ هـ) و شاگرد بزرگوار مرحوم مجلسی (ره) مولی ابوالحسن الشریف صاحب تفسیر مرآت الاتوار (متوفی به سال ۱۱۴۰ هـ) و فیض کاشانی<sup>۵۲</sup> (متوفی به سال ۱۰۹۱ هـ) و ... و از آن زمان تا کنون نام فرات بن ابراهیم در کتب تراجم به ترتیب زیر می توان یافت.

### سخنان بزرگان

۱. مرحوم علامه مجلسی ضمن بیان مصادر بحار فرموده است: و تفسیر فرات و ان لم يتعرض الاصحاب لمؤلفه بمدح ولا قدح لکن کون اخباره موافقة لما وصل الینا من الاحادیث

اشاره بدان، تکرار کرده است. ۶۵.

۶. مرحوم علامه میرزا عبداللّه مامقانی (متوفی به سال ۱۳۵۱ هـ - ۶۶) در تنقیح المقال پس از گزارش فشرده ای از بیان مجلسی و دیگران، فرموده است:

انّ أقلّ ما یفیده کوئنه من مشایخ علی بن بابویه و اکثار الصدوق الروایة عنه و کذا روایة الشیخ الحر و الفاضل المجلسی (ره) عنه هو کون الرجل فی اعلی درجات الحسن بعد استفادة کونه امامیاً من الاخبار التي رواها والعلم عند الله تعالی ۶۷.

۷. مرحوم حاج شیخ عباس قمی (متوفی به سال ۱۳۵۹ هـ - ۶۸) در سفینه البحار چیزی بر بیان مرحوم مجلسی نیفزوده، ۶۹ ولی در الفوائد الرضویه آورده است: محدث حمید و مفسر حمید صاحب تفسیر کبیر بر قرآن مجید ۷۰.

۸. مرحوم سید محسن امین عاملی (متوفی به سال ۱۳۷۱ هـ - ۷۱) بر گفته مجلسی تنها دو مطلب اضافه می کند: یکی این که «من اصحاب الرضا (ع)» که اشتباهی است روشن، همان طور که اشاره شد، و دیگر «له تفسیر کبیر» ۷۲.

۹. مرحوم آیه الله خوئی بخشی از عبارات الذریعه را آورده و چیزی از خود بر آن نیفزوده است. ۷۳ بعد از این از تحقیقات مرحوم علامه تهرانی در الذریعه در مورد فرات و کتاب او استفاده خواهیم کرد.

۱۰. شیخ محمد علی اردوباری در مقدمه تفسیر فرات چاپ

۵۷. روضات الجنات، ط اسماعیلیان، قم، ج ۵، ص ۳۵۳-۳۵۵.
۵۸. ر. ک: رجال الطوسی، ص ۹۹ و ص ۱۳۳ و ص ۲۷۳.
۵۹. اختیار معرفة الرجال (رجال کشی) تصحیح آقای مصطفوی، ص ۱۲۳، ذیل رقم ۱۹۵.
۶۰. ر. ک: رجال علامه حلی (الخلاصة) منشورات رضی قم، ص ۲۴۷ و چاپ سنگی، ص ۱۲۰؛ نیز جامع الرواة، ج ۲، ص ۲.
۶۱. منتهی المقال، (رجال ابوعلی) ج ۵، ص ۱۸۹، چاپ آل البیت.
۶۲. روضة المتقین، چاپ مؤسسه کوشانپور، ج ۱۴، ص ۴۱۰.
۶۳. فصل الخطاب، چاپ سنگی، بدون صفحه شمار.
۶۴. بهجة الأمل، انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی، کوشانپور، ج ۶، ص ۱۷.
۶۵. ر. ک: مقدمه تفسیر فرات، ص ۲۴.
۶۶. الکنی والالقاب، ج ۳، ص ۱۰۹.
۶۷. تنقیح المقال، چاپ سنگی، ابواب الفاء، ج ۳، ص ۳.
۶۸. حاج شیخ عباس قمی مرد تقوی و فضیلت، علی دوانی، دارالکتب الاسلامیه، ۳۹۶ هـ، ص ۸۵.
۶۹. سفینه البحار، چاپ سنگی، ج ۲، ص ۳۵۲.
۷۰. الفوائد الرضویه، حاج شیخ عباس قمی، بی تا بی نا، ص ۳۴۹.
۷۱. مقدمه امام حسن و امام حسین، نوشته مرحوم سید محسن امین، ترجمه اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد اسلامی، چاپ ۱۳۶۶، ص ۲۳.
۷۲. اعیان الشیعه، چاپ وزارت ارشاد اسلامی، ج ۸، ص ۳۹۶.
۷۳. معجم رجال الحدیث، ط چهارم، ج ۱۳، ص ۲۵۲.

در روضات الجنات آورده است: صاحب کتاب التفسیر الکبیر الذی هو بلسان الاخبار و اکثر اخباره فی شأن الائمة الاطهار (ع) ... ذکره المحدث النیسابوری فی رجاله بعد ما ترکه سائر اصحاب الکتب فی الرجال ... و پس از گزارش بیان مجلسی (ره) که گذشت، سخنی از صاحب حاشیه منهج المقال آورده که نکته قابل توجه آن این است ... هذا التفسیر یتضمن ما یدل علی حسن اعتقاده وجوده انتقاده و وفور علمه و حسن حاله و مضمونه موافق للکتب المعتمده ... سپس از مجلسی اوّل (ره) نقل می کند که گفته است: یظهر منه انه کان متصوفاً و یمکن ان یمکن صوفیاً و کان مراده ارتباطه بالله ۵۷ ...

کتاب محدث نیشابوری و حاشیه منهج المقال، اینک در اختیار نگارنده نیست، اما آنچه صاحب روضات به مجلسی اوّل نسبت داد است - که فرات متصوف یا صوفی بوده - اشتباه است. چه آن که این سخن مجلسی هیچ ارتباطی به فرات بن ابراهیم ندارد، بلکه وی آن را در ذیل ترجمه فرات بن احنف العبدی از اصحاب امام سجاد و امام باقر و امام صادق (ع) ۵۸ آورده است. وی تا زمان امام صادق (ع) زنده بوده ۵۹ اکثر اصحاب رجال او را غالی ضعیف و کذاب دانسته ۶۰ و صاحب منتهی المقال وی را ممدوح ۶۱ شمرده است.

مرحوم مجلسی اوّل (ره) بعد از نقل کلام علامه در خلاصه از رجال عقیقی درباره فرات بن احنف «بدین صورت که: انه کان زاهداً رافضاً للدنیا ...» فرموده است: یظهر منه ان کان متصوفاً ... ۶۲.

۴. محدث نوری (متوفی ۱۳۲۰) در فصل الخطاب که موارد فراوانی از احادیث تحریف قرآن را از تفسیر فرات نقل کرده در مقام دفاع از آن احادیث، پس از ذکر نام فرات بن ابراهیم در بین اسامی بزرگانی از شیعه مانند کشی و نعمانی و عیاشی و ... گفته است: وهؤلاء آجل من ان یتوهم فیهم سوء العقیده وضعف فی المذهب و فتور فی الدین ... ۶۳.

۵. مرحوم علامه مولی علی علییاری (متوفی به سال ۱۳۲۷) در کتاب بهجة الآمال پس از بیان این مصراع در مورد فرات بن ابراهیم که «لیس به بأس لدى الفقیر» تمامی عبارات صاحب روضات را با همان اشتباهات یادشده آورده است. ۶۴ شگفت تر این که محقق بزرگوار کتاب هم که زحمت فراوانی متحمل شده و چاپ جدید تفسیر فرات به همت والای وی صورت گرفته است، همان اشتباه صاحب روضات را بدون

کثیر، لزید بن علی، یا ابوالحسن بابی انت وامی هل كان علي مفترض الطاعة بعد رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم؟ قال: فضرب رأسه ورق لذكر رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - ثم رفع رأسه فقال يا اباهاشم كان رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - كان علي من بعده امام المسلمين في حلالهم و... ثم كان الحسن والحسين فوالله ما ادعيا منزلة رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - ولا كان القول من رسول الله فيهما ما قال في علي غير انه قال: سيدي شباب اهل الجنة فهما كما سمى رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - كانا امامي المسلمين ايهما اخذت منه حلالك وحرامك ويبيعتك فلم يزا كذا لك حتى قبضا شهيدين ثم كُنا ذرية رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - من بعدهما ولدهما ولد الحسن والحسين فوالله ما ادعى احد منا منزلتهما من رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - غير انه ذرية رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - يحق مودتنا ومولاتنا ونصرتنا على كل مسلم غير انا ائمتكم في حلالكم وحرامكم يحق علينا ان نجتهد لكم ويحق عليكم ان لا تدعوا امرنا... فوالله ما ادعا احدنا لامن ولد الحسن ولا من ولد الحسين ان فينا امام مفترض الطاعة علينا وعلى جميع المسلمين فوالله ما ادعاها ابي علي بن الحسين في طول ما صحبته حتى قبضه الله اليه وما ادعاها محمد بن علي فيما صحبته من الدنيا حتى قبضه الله اليه فما ادعاها ابن اخي من بعده لا والله ولكنكم قوم تكذبون فالامام يا اباهاشم منا المفترض الطاعة علينا وعلى جميع المسلمين: الخارج بسيفه الداعى الى كتاب الله وستة نبيه الظاهر على ذلك الجارية احكامه. فاما ان يكون امام مفترض الطاعة علينا وعلى جميع المسلمين متكىء فرشه «فرشه» مرجى على حجته مغلق عنه ابوابه يجرى عليه احكام الظلمة فاننا لانعرف هذا يا اباهاشم. ٧٩

مضمون کلی چندین روایت آن است که امام کسی است که خروج به سیف داشته باشد و در خانه نشیند و... این گونه روایات تداعی بخش سخن زیدیه است که بدان معروف شده اند. ٨٠

٧٤. مقدمه تفسیر فرات، چاپ نجف، ص ٤.

٧٥. قاموس الرجال، ط جامعه مدرسین، قم، ج ٨، ص ٣٧٦، رقم ٥٨٧٥.

٧٦. تفسیر فرات الکوفی، تألیف ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی من اعلام الغیبة الصغری، تحقیق محمد کاظم، الطبعة الاولى، ١٤١٠هـ - ١٩٩٠م، مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی.

٧٧. تفسیر فرات، ص ٥١٣، رقم ٦٧١-٦٧٢.

٧٨. همان، ص ٥٢٩، رقم ٦٨١-٦٨٦.

٧٩. همان، ص ٤٧٤-٤٧٥، رقم ٦٢٠-٦٢٢.

٨٠. ر. لک: ابوالحسن زید الشهدی، السید محسن الامین، ص ٣١.

نجف، بعد از نقل سخن مرحوم مامقانی فرموده است: والذی تعطیه النصفه ان ما ذکره یثبت له الثقة کلها والصحة لحدیثه بالمصطلح القديم غیر انه لالقصر عن الصحیح عند المتأخرین خصوصاً بعد ما علمنا من مکانه علی بن بابویه من التثبیت والتورع... ٧٤

١١. مرحوم علامه شیخ محمد تقی شوشتری (ره) بر سخنان دیگران این جمله را اضافه کرده است: وقد طبع تفسیره فی هذه الاعصار، الا ان الغریب عدم ذکر الکشی والشیخ فی الرجال والفهرست والنجاشی له اصلاً. ٧٥

اگر بخواهیم داوری بزرگان را نسبت به فرات بن ابراهیم، خلاصه کنیم بدین صورت خواهد شد: «با این که در آثار کهن رجالی به هر دلیل نام و یادی از فرات نیامده است، بزرگانی از قرن یازده به این سوی از رهگذر کتابی منسوب به وی او را دارای حسن ضبط و مورد وثوق و جزء قدمای علمای اصحاب و دارنده حسن اعتماد بلکه در بالاترین درجه حسن دانسته و از عدم ذکر نامش در اصول رجالی اظهار شگفتی نموده اند».

پیش از آن که به داوری در مورد تفسیر فرات بپردازیم، لازم است برای روشن شدن جنبه های اعتقادی فرات با تکیه بر محتویات کتابش دقت و توفقی کوتاه صورت پذیرد.

نگارنده به دنبال اشاره محقق دانشمند کتاب «چاپ جدید» ٧٦ در مقدمه فاضلان اش مبنی بر این که «ممکن است فرات در برهه ای از زندگی بر مذهب زیدیه بوده است» مروری بر آن کتاب داشته که حاصل آن موارد ذیل است.

١. در تفسیر فرات صریحاً عنوان ائمه اثنی عشر دیده نمی شود؛ اگر چه از اکثر ائمه شیعه (ع) در آن فراوان روایات نقل شده است، حتی با مضامینی که در منابع شیعی زیاد به چشم می خورد، مانند... عن ابی جعفر محمد بن علی (ع) تعالی: فی قوله «کل نفس بما کسبت رهینة الا اصحاب الیمین قال: هم شیعتنا اهل البیت. ٧٧

یا این حدیث:

... عن مفضل بن عمر قال قال ابو عبد الله (ع): یا مفضل ان الله خلقنا من نوره وخلق شیعتنا منا وسائر الخلق فی النار بنا یطاع الله وبنای عصى... ٧٨

البته در کنار روایات بالا روایاتی نیز به چشم می خورد که قابل تأمل است. مثلاً... قال ابوهاشم الرمائی، وهو قاسم بن

یرید الله لیذهب عنکم الرجس... رسول الله وعلی وفاطمه والحسن والحسین (ع)... واما نحن فاهل بیت نرجو رحمة ونخاف عذابه، للمحسینین منّا، اجران وعلی المسیء منّا صغفی «کذا» العذاب کما وعد ازواج النبی (ص).<sup>۸۵</sup>

۳. روایتی در تفسیر فرات هست که اصلاً جنبه نفسی زید ندارد، ولی به نظر می رسد چون مطالبی در شأن و شخصیت زید بن علی (ره) دارد، آمده است؛ چیزی شبیه آنچه کم و بیش در روایات شیعه نسبت به ائمه اهل بیت (ع) به چشم می خورد. البته مضمون این حدیث در منابع مسلم شیعی نیز به گونه دیگر دیده می شود.

نص روایت بدین صورت است:

... حسین بن عمر الجعفری «الجعفی» قال حدثنی ابی قال: كنتُ اُدمنُ الحجج فامر علی علی بن الحسین - علیه السلام - فأسلم علیهِ ففی بعض حججی غذا علینا علی بن الحسین - علیه السلام - ووجهه مشرق فقال: رأیت رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - لیلتی هذه حتّی اخذ بیدي فادخلنی الجنّة فوجّنی حوراء فواقعها فعلقت فصاح بی رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - یا علی بن الحسین سمّ المولود زیداً. قال (فما) حسین ذلک الیوم وعلی «ابن الحسین یقصر الریا حتّی ارسل المختار بن ابی عبیده بأمر زید ارسل بها الیه المختار بن ابی عبیده هدیة... فلما کان من قابل حججت ومررت علی علی بن الحسین - علیه السلام - لاسلم علیهِ فاخرج بزید علی کتفه الایسر وله ثلاثة اشهر وهو یتلو هذه الآیة ویؤمی بیده ألی زید: هذا تأویل رؤیای من قبل قد جعلها ربّی حقاً.<sup>۸۶</sup>

۴. روایاتی که در این کتاب از زید بن علی بن الحسین (ع) نقل می شود یا به وجهی به آن حضرت برمی گردد، فراوان است

۸۱. ر.ک: منتخب الاثر، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی، مکتبه الداوری، قم.

۸۲. کفاية الاثر، علی بن محمد بن علی بن علی الخراز القمی، انتشارات بیدار، قم، ص ۲۰۰؛ زید بن الامام علی بن الحسین (ع)، محمد علی دخیل، مؤسسه اهل البیت، بیروت، ص ۷۲.

۸۳. تفسیر فرات، ص ۴۷۴، رقم ۲۳ و ۴۸.

۸۴. ر.ک: فرائد السمطین، مؤسسه المحمودی للطباعة والنشر، بیروت، ط ۱، ۱۴۰۰هـ، ج ۲، ص ۳۲۰، رقم ۵۷۱.

۸۵. تفسیر فرات، ص ۳۳۹، رقم ۴۶۴-۴۶۷.

۸۶. همان، ص ۲۰۰، رقم ۲۶۱-۲۶۸؛ نیز فرحة الغری، سید عبدالکریم بن طاووس، متوفی ۶۹۳ق، منشورات الرضی قم، ص ۱۱۴-۱۱۷؛ نیز ر.ک: زید الشهدی، عبدالرزاق الموسوی المقرم، منشورات الرضی، قم، ۱۴۱۱هـ، ص ۹۰۵؛ نیز ابوالحسین زید الشهدی، السید محسن الامین، مؤسسه ال بیت، قم، ص ۴-۶.

ما می دانیم که عنوان اثناعشر برای ائمه (ع) و نام آن بزرگواران به عنوان حجج الهی در روایت شیعه و اهل سنت به قدری فراوان است<sup>۸۱</sup> که مشکل بتوان باور کرد که اصلاً برای فرات نقل نشده باشد و نیز نمی توان پذیرفت که شخصی با اعتقادات شیعی اثناعشری در موضوعی متناسب با آن چیزی بنویسد و با علم به وجود چنین روایاتی از آن به آسانی بگذرد. جالب است که بدانیم که بعضی از روایاتی که نام مبارک امامان شیعه (ع) در آنها آمده است، منقول از خود حضرت زید بن علی (ع) است.<sup>۸۲</sup> ولی به هر دلیل در تفسیر فرات نیست. حتی حدیثی که نام ائمه دوازده گانه شیعه در آن وجود داشته و هم اکنون در منابع دیگر موجود است، در کتاب فرات تقطیع شده و نام ائمه از امام حسین (ع) به بعد حذف گردیده است و در آخر نام امام زمان (عج) برده شده است. به حدیث ذیل توجه کنید.

... عن ابی جعفر محمد بن علی - علیه السلام - قال: قال رسول الله - صلی الله علیه وآله وسلم - لما أُسری بی الی السماء قال لی العزیز... یا محمد، انی خلقتک وخلقنت علیاً وفاطمه والحسن والحسین اشباح نور من نوری و... یا محمد تحب ان تراهم؟ قلت: نعم یا رب قال فالتفت عن یمین العرش فالتفت فاذا انا بالاشباح «باشباح»، علی و فاطمه والحسن والحسین والائمة کلهم حتی بلغ المهدی - صلوات الله علیهم اجمعین...<sup>۸۳</sup>

این حدیث با تفاوت هایی بسیار ناچیز در فرائد السمطین از ابراهیم بن محمد... الجوینی الخراسانی (متوفی به سال ۷۳۰) آمده است لیکن با این تفاوت که بعد از جمله وخلقنت علیاً و فاطمه والحسن والحسین آمده است: والائمة من وکده... نیز به جای والائمة کلهم در جمله بعدی در روایت فرائد السمطین نام ائمه بدین صورت آمده است: وعلی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و المهدی سپس مابقی حدیث طبق نقل فرات ذکر شده است.<sup>۸۴</sup>

۲. حدیثی در تفسیر فرات هست که صریحاً عصمت را از غیر پنج تن (ع) نفی می کند؛ مانند این حدیث: ... عن علی بن قاسم من ابیه قال: سمعت زید بن علی یقول انما المعصومون منّا خمسة لا والله ما لهم سادس وهم الذین نزلت فیهم الآیة: «انما

به سال ۱۳۱۲ در کتاب صحیفه الابرار که یکی از موضوعات آن بیان معجزات ائمه (ع) است، از فصل معجزات امام سجاد (ع) به بعد روایتی از تفسیر فرات نیاورده است؛ با این که این کتاب را در اختیار داشته و موارد متعددی هم از آن نقل کرده است.<sup>۹۶</sup> علت اصلی این بوده که چیزی از این موارد در این کتاب نیافته است.

تا این جا شاید بتوان بدین نتیجه رسید که فرات ابن ابراهیم دارای گرایش های زیدی بوده است؛ به ویژه با توجه به این که علمای زیدی مذهب را بدان اقبال تام بوده است که ما به عنوان نمونه مواردی را از کتاب ابی عبدالله محمد بن علی بن الحسن العلوی الشجری الزیدی متوفی به سال ۴۴۵ در همین نوشته متذکر شدیم.<sup>۹۷</sup>

اما این که محقق بزرگوار کتاب فرموده است که روایاتی که مرحوم صدوق از وی نقل کرده است دلالت بر امامی بودن او دارد، و نتیجه گرفته است فرات تفسیرش را در زمان زیدی بودنش نوشته سپس امامی مذهب شده است،<sup>۹۸</sup> وجه آن، برای نگارنده روشن نشده است.

در بررسی اجمالی مواردی که صدوق (ره) از فرات به واسطه حسن بن محمد بن سعید هاشمی<sup>۹۹</sup> نقل کرده است، به موردی برخورد نشد که با معتقدات زیدیه و یا با محتویات تفسیر فرات در تضاد جدی و غیر قابل توجیه به نظر آید، تا ناچار به فرض دوگانگی اعتقادات فرات در دو مقطع عمر شویم. نیز آنچه را

و به نظر می رسد نقل آنها همراه با جهت گیری های اعتقادی ویژه باشد. اشاره گذرا به بعضی از آنها می تواند مفید باشد.

\* ... عن سليمان بن دينار البارقی قال: سألت زید بن علی (ع) عن هذا الآية: ومن احيها فکانما حيي الناس جميعاً مائده ۳۲ قال: فقال لي هذا الرجل من آل محمد يخرج ويدعو الي اقامة الكتاب والسنة فمن اعانه حتى يظهر امره فکانما حيي الناس جميعاً ومن خذله حتى يقتل فکانما قتل الناس جميعاً.<sup>۸۷</sup>

\* ذیل آیه یسألونک عن الانفال ... انفال. قلت: فان ابالجارود روی عن زید بن علی انه قال الخمس لنا ما احتجنا اليه فاذا استغينا عنه فليس لنا ... قال (ع): فهو كما قال زید ...<sup>۸۸</sup>

\* ... عن زید بن علی فی قوله: واولوالارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله (احزاب ۷۵) قال ارحام رسول الله -صلی الله علیه وآله وسلم- اولی بالملك والامرة.<sup>۸۹</sup>

\* این حدیث که مقصود از دارالسلام در سوره یونس ۲۵ والله يدعو الی دارالسلام ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است به دو سند از زید نقل شده است.<sup>۹۰</sup>

\* عن زید بن علی -علیه السلام- فی قوله تعالی او يحکم الله لي (یوسف ۸۰) قال بالسيف.<sup>۹۱</sup>

\* عن محمد بن موسی قال سمعت زید بن علی فی هذه الآية: ... وما يعقلها الا العالمون ... (عنکبوت) قال زید: نحن هم ...<sup>۹۲</sup>

\* ... عن ابی الجارود قال: سألت زید بن علی (ع) عن هذه الآية: ... ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ... (فاطر ۳) قال الظالم لنفسه فيه ما فی الناس والمقتصد المتعبد الجالس «ومنهم سابق بالخیرات» الشاهر سیفه.<sup>۹۳</sup>

\* عن ابی جعفر (ع) قال: لما نزلت: ... وصالح الیهومنین» سوره تحریم آیه ۴ قال النبی -صلی الله علیه وآله وسلم- یا علی انت صالح المؤمنین قال سالم: قلت: ادع الله لي قال: احيك الله حياتنا واماتك ممانتا وسلک بك سبلنا قال سعید: فقتل مع زید بن علی ...<sup>۹۴</sup>

بخشی از سند که متصل به امام بوده حذف شده از این روی نام سالم و سعید از آغاز روایت افتاده است. نیز در این کتاب خطابه ها و رساله های طولانی مهیج و مؤثر از زید بن علی بن الحسن (ع) آمده است.<sup>۹۵</sup>

۵. مرحوم شیخ محمدتقی تبریزی (حجة الاسلام نیر) متوفی

۸۷. همان، ص ۱۲۲، رقم ۱۳۱-۱۳۹.

۸۸. همان، ص ۱۵۱، رقم ۱۸۸-۲.

۸۹. همان، ص ۱۵۵، رقم ۱۹۴-۱.

۹۰. همان، ص ۱۷۸-۱۷۷، رقم ۲۲۸ و ۲۲۹-۴.

۹۱. همان، ص ۱۹۹، رقم ۲۵۹-۹.

۹۲. همان، ص ۳۱۹، رقم ۴۳۲-۴.

۹۳. همان، ص ۳۴۷، رقم ۴۷۳-۱.

۹۴. همان، ص ۴۸۹، رقم ۶۳۴-۲.

۹۵. همان، ص ۱۳۵، رقم ۱۶۲-۷ و ص ۳۸۲، رقم ۵۱۲-۱.

۹۶. صحیفه الابرار، چاپ دارالجمیل، بیروت، ج ۱، ص ۹۵ و ۱۱۳ و ۱۸۰ و ۳۷۲....

۹۷. ر. ک: فضل زیارة الحسن، عبدالله العلوی الشجری، نشر مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ه. ق، صفحات، ۴۹، ۶۴، ۶۸، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۹۱، ۹۳ و ...

۹۸. مقدمه تفسیر فرات، ص ۱۲، چاپ جدید.

۹۹. به بخشی از این روایات در ذیل شماره ۴۴ از پی نوشت ها اشاره شد؛ نیز ر. ک: حلال الشرایع، ص ۱۳۵، باب ۱۱۵ ح ۲ و ص ۱۴۲، باب ۱۲۰، ح ۷ و ص ۳۵۱، باب ۶۱، حدیث ۲؛ فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۱۲۴، ح ۱۳۲؛ معانی الاخبار، ص ۳۱، ح ۷ و ص ۳۲، ح ۸ و ص ۷۳، ح ۱؛ خصال، ط مترجم، انتشارات اسلامیه، ص ۴۸۶، و ص ۵۳۵ و ...



است، از منابع روایی و تاریخی به خوبی استفاده می شود. ولی به هر حال آگاهی از خطوط اصلی اعتقاد زیدی در داوری نسبت به کسانی چون فرات بن ابراهیم سودمند تواند بود. بدین روی گذری اشاره وار به برخی از آنها در اینجا بایسته می نماید.

۱۰۰. از ظاهر سخن مرحوم علامه تهرانی در الذریعة، ج ۱، ص ۳۳۱ برمی آید که گویا علامه مجلسی کتاب اخبار الزهراء را در اختیار داشته و در بحارالانوار بی واسطه از آن نقل کرده است. ولی به نظر می رسد که صحیح نیست، بلکه مرحوم مجلسی به واسطه کتاب «الیقین» مرحوم سید بن طاووس از آن نقل قول نموده است. ر. ک: بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۹۷.

۱۰۱. همه جا حسن بن محمد بن سعید است؛ تنها در بعضی از موارد محمد بن الحسن ... ثبت شده است؛ مانند الیقین، ص ۱۵۷، طنجف، و خصال، ص ۵۲۵، ط مترجم، که درست نیست و بنابراین عبارت «...» والواسطه هو محمد بن الحسن بن سعید» از مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی «در طبقات اعلام الشیعه»، ج ۱، ص ۲۱۶ نیز سهواً القلم به حساب می آید.

۱۰۲. به همین منوال «حسین بن سعید» یا «حسین بن محمد بن سعید» که در بعضی از نسخه ها آمده است صحیح نیست. ر. ک: هیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۴؛ امالی صدوق، ط مترجم، ص ۴۰۷، مجلس ۶۳، حدیث ۱۱؛ صحیفة الابرا، حجة الاسلام محمدتقی تبریزی، ط ۴، دارالجمیل، ۱۹۸۶ خ، ج ۲، ص ۲۷۵.

۱۰۳. ر. ک: اقبال الاعمال، ط جدید، ج ۲، ص ۲۶۴؛ امالی صدوق، ط مترجم، ص ۱۲۵، مجلس ۲۶، حدیث ۸۱.

۱۰۴. اکمال الدین، چاپ با ترجمه انتشارات اسلامیة، باب ۲۷ تا ۳۰، ص ۱۰۵.

۱۰۶. در حلال الشرایع، ص ۵، حدیث ۷. ابتدای سند بدین گونه است: حدثنا الحسن بن محمد بن سعید الهاشمی قال حدثنا فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی قال حدثنا محمد بن احمد بن علی الهمدانی قال حدثنا ابو الفضل العباس بن عبدالله البخاری قال حدثنا محمد بن القاسم بن ابراهیم بن محمد بن عبدالله بن القاسم بن محمد بن ابی بکر قال حدثنا عبدالسلام بن صالح الهروی عین علی بن موسی الرضا عن ابيه ... تا پایان سند که به پیامبر (ص) می رسد.

در اکمال الدین، ص ۳۶۶، ج ۱، ص مترجم، به جای محمد بن احمد بن علی ... محمد بن علی بن احمد ... و به جای ابراهیم بن محمد بن عبدالله ... ابراهیم بن عبدالله آمده است. و در متن نیز اختلافات جزئی چندی دیده می شود.

۱۰۷. ر. ک: شیهای پیشاور، ص ۹۹۷؛ منتخب الاثر، ص ۱۰-۱۱۴.

۱۰۸. سیره و قیام زید بن علی (ع)، دکتر حسین کریمیان، انتشارات علمی فرهنگی، ص ۳۷۳.

۱۰۹. تاریخ شیعه و فرقه های اسلام تا قرن چهارم، دکتر محمدجواد مشکور، انتشارات اشراقی، ص ۵۹.

۱۱۰. مکتب در فرایند تکامل، دکتر سید حسین مدرسی طباطبایی، ترجمه هاشم ایزدپناه، چاپ نیوجرسی آمریکا، ص ۸.

۱۱۱. ر. ک: مکتب در فرایند تکامل، چاپ آمریکا، ص ۲۴.

سید بن طاووس (ره) از کتاب اخبار<sup>۱۰۰</sup> الزهراء (س) از محمد بن حسن<sup>۱۰۱</sup> بن سعید هاشمی از فرات آورده یا آنچه از کتاب النشر والطنی از حسن بن<sup>۱۰۲</sup> محمد بن سعید هاشمی از فرات مسنداً روایت کرده که در بعضی از موارد همان روایاتی است که صدوق (ره) نیز<sup>۱۰۳</sup> از فرات آورده است، در هیچ کدام مخالفت جدی با مقتضای مذهب زیدیه مشهود نیست.

در اکمال الدین، ابواب متعددی<sup>۱۰۴</sup> است که مملو از روایات مشتمل بر نام مبارک ائمه دوازده گانه (ع) است. مانند حدیث صحیفة فاطمه<sup>۱۰۵</sup> (س) و در آن مجموعه، حدیثی از فرات دیده نمی شود.

ناگفته نماند که مرحوم صدوق روایتی مشتمل بر عنوان اثنی عشر برای ائمه (ع) در اکمال الدین و حلال الشرایع از حسن بن محمد بن سعید از فرات با اختلافات اندکی در سند و متن بین دو کتاب مزبور - که می تواند ناشی از اشتباه در استنساخ و کتابت باشد -<sup>۱۰۶</sup> نقل می کند، ولیکن پیدا است که وجود یک حدیث که نظائر آن از نظر مضمون در منابع اهل سنت نیز فراوان دیده<sup>۱۰۷</sup> می شود، در مقابل آنچه از تفسیر فرات مذکور افتاد، نمی تواند دلالت روشنی بر اعتقادات امامی و شیعی فرات داشته باشد تا به ناچار فرض دو مرحله ای بودن حیات اعتقادی وی مطرح شود.

با این همه به لحاظ ظهور فرقه های گوناگون در زیدیه و بروز اختلافات جدی بین آنها به آسانی نمی توان با شواهد یادشده، فرات بن ابراهیم را به گروه خاصی از آنان منتسب دانست. چه به حدی اختلاف در این مذهب پیدا شد که به قول محمد ابوزهره، هر اقلیمی رنگ این مذهب را در سیاست و فقه به رنگ خویش در آورد؛ تا بدان پایه که گمان می رفت زیدیه چند مذهب اند و مذهب واحد نیستند.<sup>۱۰۸</sup>

پس از رحلت امام سجاد (ع)<sup>۱۰۹</sup> یا در زمان امام صادق (ع) این تقسیم در جامعه شیعه صورت گرفت که شیعه به دو بخش جعفری و زیدی منقسم گشت. جعفریان بعداً به عنوان شیعیان امامی<sup>۱۱۰</sup> شناخته شدند. به هر روی این شاخه مذهبی در سده دوم قمری برافراشته و به تدریج دارای قدرت و نفوذ قابل توجه شده و به تعبیری رقیب عمده ای برای تشیع امامی به شمار می رفته است.<sup>۱۱۱</sup> فرات ابن ابراهیم محصول این دوران است و از شاگردان اصحاب امام هادی (ع) به شمار می رود. این اندازه که کتاب تفسیر فرات متعلق به عصر نفوذ زیدیه در عراق بوده

سید محسن امین<sup>۱۲۱</sup> و محدث قمی<sup>۱۲۲</sup> و امثالهم (ره) چرا از این کتاب با عنوان تفسیر کبیر یاد کرده اند. متأسفانه این اشتباه به کتاب هایی چون لغت نامه دهخدا<sup>۱۲۳</sup> نیز راه یافته که در آن ترجمه عباراتی از روضات به صورت مغلوط و مغشوش وارد شده است.

ناگفته نگذیریم که تفسیر فرات در زمان حیات بعضی از بزرگان یاد شده، مانند مرحوم سید محسن امین و محدث قمی و سید حسن صدر (ره)<sup>۱۲۴</sup> به چاپ رسیده و در اختیار بوده است. حتی شاید بتوان گفت که بعضی از آنان نسخه ای از آن را در اختیار داشته و از آن در نوشته های خود بهره جسته اند.<sup>۱۲۵</sup> اگر از این احتمال هم بگذریم، با وجود نسخه های خطی فراوان این تفسیر در زمان حیات آن بزرگان، غفلت یاد شده توجیه بردار نیست.

### سابقه وجود نسخه های تفسیر فرات

همان طور که اشاره شد این کتاب، تا قرن پنجم هجری در اختیار کسانی چون حاکم حسکانی صاحب *انوار التنزیل* و... بوده است، ولی از آن زمان تا قرن دهم نشانی از آن در آثار علما به چشم نمی خورد. مرحوم علامه تهرانی در *الدریعة* از نسخه های فراوان این کتاب در شهرهای تبریز و کاظمین و نجف یاد می کند

۱۱۲. تاریخ شیعه و فرقه های اسلام، ص ۶۰.  
 ۱۱۳. ر. ک: المقالات والفرق، ص ۹۴، و فرق الشیعة، ص ۸۶.  
 ۱۱۴. تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام، منسوب به سید مرتضی داری، انتشارات اساطیر، ص ۱۸۷ و چاپ سنگی، ص ۴۲۷.  
 ۱۱۵. همان، ص ۱۸۶، و چاپ سنگی، ص ۴۲۷؛ نیز ر. ک: تاریخ تشیع تألیف دکتر کاظم خواجهویان، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، ۱۳۷۶ ش، ص ۷۰.  
 ۱۱۶. مقالات الاسلامیین، ص ۱۳۴؛ نیز ر. ک: ترجمه مقالات الاسلامیین، ص ۴۱.  
 ۱۱۷. ر. ک: اکمال الدین، مترجم، ص ۱۶۳ و ص ۱۷۲ و ص ۱۹۰.  
 ۱۱۸. روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۵۳.  
 ۱۱۹. بهجة الآمال، ج ۶، ص ۱۷.  
 ۱۲۰. تأسیس الشیعه، لعلوم الاسلام، ص ۳۳۲.  
 ۱۲۱. اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۳۹۶.  
 ۱۲۲. الفوائد الرضویة، ص ۳۴۹.  
 ۱۲۳. لغت نامه دهخدا، کلمه فرات بن ابراهیم.  
 ۱۲۴. تفسیر فرات در ۱۳۵۴ هـ. ق. در نجف چاپ شده و تاریخ فوت مرحوم سید حسن صدر و محدث قمی و سید محسن امین رحمهم الله به ترتیب ۱۳۵۴ و ۱۳۵۹ و ۱۳۷۱ هـ. ق. بوده است.  
 ۱۲۵. ر. ک: ابوالحسن زید الشهدا، سید محسن امین، ص ۳۳. نیز مقایسه شیود با تفسیر فرات ص ۱۶۶، چاپ نجف و ص ۴۳۵، چاپ وزارت ارشاد اسلامی.

آنان می گویند:

۱. امام باید از اولاد علی (ع) باشد خواه از فرزندان حسن خواه حسین (ع).
۲. امام کسی است که قائم به شمشیر و قادر بر دفاع باشد از این جهت امامت کودکان را نمی پذیرند گروهی از زیدیه امامت امام رضا (ع) را در زمان به قدرت رسیدن وی پذیرفتند اگر چه گفته شده است آنها پس از مرگ وی از این امر دست<sup>۱۱۲</sup> برداشتند.
۳. آنان عصمت را در امامت شرط نمی دانند.<sup>۱۱۳</sup>
۴. در تبصرة العوام است که یکی از عقاید زیدیان این است که جمله ائمه معصوم را از زین العابدین تا مهدی گمراه دانند و گویند هر که با امامت زید نه گوید و جهاد واجب نداند کافر<sup>۱۱۴</sup> باشد.
۵. امام بعد از نبی علی (ع) است و دیگر حسن و حسین (ع) بعد از این سه هر که از بنی فاطمه و عالم و شجاع باشد و خروج کند او امام است.<sup>۱۱۵</sup>
۶. زیدیه اجمالاً به مهدی قائم معتقدند ولیکن در شخص وی اختلاف زیادی بین آنها وجود دارد فی المثل جارودیه از آنها در این مسأله خود به سه گروه تقسیم می شوند.
- گروهی می گویند قائم منتظر محمد بن عبدالله بن الحسن است و...  
 گروهی دوم محمد بن القاسم فرماندار طالقان را زنده جاوید خوانند که قیام کند و پیروز شود.  
 گروه سوم همین سخن را در مورد یحیی بن عمر رئیس و امیر کوفه می گویند. ...<sup>۱۱۶</sup>
۷. زیدیه مسأله دوازده امام و اخبار مربوط به آن را قبول ندارند.<sup>۱۱۷</sup>

### کتاب تفسیر فرات

آنچه در این زمان با عنوان یاد شده در اختیار ماست، کتابی است در کمتر از ۲۵۰ صفحه به قطع معمولی. از قرن یازدهم تا عصر حاضر هر جا از کتابی بدین نام و نشان، یادی به میان می آید و یا مطلبی نقل می شود، مقصود همان مجموعه کوچک است و نه چیز دیگر. بنابراین معلوم نیست بزرگانی چون صاحب روضات<sup>۱۱۸</sup> و صاحب *بهجة الآمال*<sup>۱۱۹</sup> و سید حسن صدر<sup>۱۲۰</sup> و

گویا برای نخستین بار در سال ۱۳۵۴ هـ. در نجف اشرف تفسیر فرات به چاپ رسید. سپس در ایران از روی همان چاپ بدون کم و کاست افست شد و از روی همین چاپ ترجمه و شرحی نه چندان مختصر توسط بزرگی از اهل علم صورت گرفته که در سال ۱۳۷۲ ق. در تبریز به چاپ رسیده است. ۱۲۷

در این اواخر جناب محمد الکاظم فرزند فاضل و محقق معاصر جناب شیخ محمدباقر محمودی - دام ظلّه - که ذکرش رفت آن را تحقیق و آماده کرده و از طرف وزارت ارشاد اسلامی به شکل مطلوب و مرغوبی چاپ شد.

### اعتبار تفسیر فرات در نگاه بزرگان

پیش از این اشاره شد که کسانی از دانشمندان حدیث شیعه از آغاز ظهور و وفور نسخه‌هایی از این کتاب در قرن یازدهم به بعد آن را در شمار کتاب‌های معتمد و مورد توجه به حساب آورده‌اند؛ مانند مرحوم مجلسی و شیخ حر عاملی و فیض کاشانی و صاحب مرآت الانوار<sup>۱۳۸</sup> و صاحب صحیفه الابرار و کسانی دیگر.

در مروری گذرا، به عنوان مبنای اعتبار این کتاب در سخنان بزرگان به مواردی به شرح زیر می‌توان دست یافت.

۱۲۶. اللریعة، ج ۴، ص ۲۹۹.

۱۲۷. ر. ک: تفسیر فرات کوفی، چاپ وزارت ارشاد اسلامی، ص ۱۹-۲۲.

۱۲۸. ابن غیاث بن ابراهیم شناخته شده نیست. اجمالاً به طور مسلم غیر از غیاث بن ابراهیم تبری نمی‌است که شیخ وی را از اصحاب امام باقر (ع) شمرده؛ ر. ک: قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۵۱.

۱۲۹. اللریعة، ج ۴، ص ۲۳۶ و ص ۲۹۶.

۱۳۰. ر. ک: المحجة فیما نزل فی القائم من المحجة (هج)، سید هاشم بحرانی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ص ۱۷۶، ۱۶۸، ۱۵۲ و ...، ص ۲۰۰.

۱۳۱. تفسیر البرهان، ص ۳۰، ج ۱، باب ۱۶.

۱۳۲. مانند حدیث ۲۶ و ۲۷، ص ۵۱ و ج ۱، از تفسیر البرهان.

۱۳۳. مانند حدیث ۲۷، ج ۱، ص ۵۱، همان؛ نیز ر. ک: تفسیر فرات، چاپ نجف، ص ۸، و چاپ وزارت ارشاد، ص ۵۱.

۱۳۴. تفسیر فرات، چاپ نجف، «افست مکتبه الدواری قم»، ص ۴.

۱۳۵. مثلاً در المفسرون نوشته سید محمدعلی ایازی اساساً نامی از این تفسیر برده نشده است.

۱۳۶. مثلاً در صحیفه الابرار، نیز منتخب الاثر (نوشته آیه الله لطف الله صافی) صفحات ۱۹۳، ۲۴۹ و ۲۹۴.

۱۳۷. نام ترجمه این است: «نمرة الفوائد در ترجمه و شرح تفسیر الفرات الکوفی نوشته شیخ یوسف بنایی».

۱۳۸. این کتاب به عنوان مقدمه تفسیر البرهان چاپ شده است.

ولیکن از قدمت یا تاریخ نگارش آنها سخنی به میان نمی‌آورد. ۱۲۶

در مقدمه چاپ جدید تفسیر فرات از هفت نسخه خطی سخن رفته که قدیم‌ترین آنها متعلق به قرن دهم و دارای تاریخ ۹۰۹ هـ. ق است. ۱۲۷ باید افزود که این کتاب در همان زمان (قرن ده و یازده) هم چندان مشهور و فراوان نبوده است که همه محققان و متبعان علوم دینی را بدان دسترسی باشد.

از باب نمونه در قرن یازدهم، عالم بزرگی به نام مولی محمدرضا ... نصیری طوسی تفسیری روایی به نام تفسیر الائمة نگاشته که در سال ۱۰۶۷ هـ. به پایان رسانده و به گزارش مرحوم علامه تهرانی گویا تفسیری مفصل و در حدود سی جلد بوده است، ولی در هیچ جای آن از تفسیر فرات مستقیماً چیزی نقل نکرده و هر جا در آن نامی از فرات بن ابراهیم است، از تفسیر دیگری به نام تفسیر غیاث بن ابراهیم<sup>۱۲۸</sup> از فرات نقل شده<sup>۱۲۹</sup> همچنان که مرحوم سید هاشم بحرانی نیز به هنگام نگارش تفسیر البرهان و حتی بعد<sup>۱۳۰</sup> از آن، تفسیر فرات را در اختیار نداشته و در جایی که منابع کتابش را یاد می‌کند، از آن ذکری به میان نمی‌آورد. ۱۳۱ روایاتی را هم که در تفسیرش از فرات می‌آورد، عموماً از آثار شیخ صدوق (ره) نقل می‌کند<sup>۱۳۲</sup> که البته ممکن است برخی از آنها در تفسیر فرات فعلی هم موجود باشد. ۱۳۳

بنابراین آنچه در مقدمه تفسیر فرات چاپ نجف آمده است که صاحب برهان از این تفسیر نقل کرده و این نشانه اعتماد وی بر آن است، درست نیست؛ همان‌طور که این نسبت به مرحوم سید بن طاووس هم خالی از دقت و مسامحه آمیز است. ۱۳۴ چه آن که مرحوم سید در اقبال والیقین چیزی از تفسیر فرات نقل کرده تنها یکی دو مورد حدیثی از اخبار الزهراء و النشر والطفی آورده که در سند آن فرات بن ابراهیم وجود دارد و ذکر آن پیشتر گذشت.

در این زمان نیز فضایی که در معرفی تفاسیر اسلامی آثاری به وجود آورده‌اند، بدان نپرداخته‌اند و اساساً آن را جزء تفاسیر قلمداد نکرده یا به هر دلیل بی‌توجه از کنار آن گذشته‌اند. ۱۳۵ البته این کتاب به عنوان یکی از بی‌شمار منابع حدیثی در این زمان نیز مورد مراجعه دانشوران دینی<sup>۱۳۶</sup> قرار دارد.

و بدیهی است که چنین امری در چنین ملاک‌های شناخته شده پذیرش یک اثر روایی، جای استواری ندارد. نهایت، اجتهادی است که برای صاحب خود، کارساز تواند بود و نه چیزی فراتر از آن.

مرحوم علامه مامقانی (ره) روایت مرحوم مجلسی و شیخ حرّ را از این تفسیر، نه فقط مبنای اعتماد خود قرار داده بلکه بر اساس آن فرات را بر فراز بالاترین درجات حُسن نشانده ۱۴۲ است!

#### ۵. کثرت روایت از ائمه (ع) ۱۴۳

این نظر بر آن است که از طریق اثبات کثرت روایات تفسیر فرات از امامان شیعه (ع) منزلت شخص فرات را بالا برده آنگاه از همان طریق تفسیر منسوب به وی را نیز تصحیح نماید!

در نگاه نگارنده این سخن بسیار بی پشتوانه می نماید. چه آن که مبنای اولیه آن عبارت است از روایاتی چند که هم از نظر سند و هم دلالت دارای نارسایی‌هایی است. ۱۴۴ به هر روی با فرض پذیرش روایات در انصراف قطعی آنها از مورد بحث، هیچ گونه تردیدی روانیست. چه آن که آنها ناظر به نقل مستقیم و بی واسطه است که در مورد فرات و تفسیری وی متفی است.

#### ۶. شهرت کتاب

پیش از این یادآور شدیم که کسانی ۱۴۵ از اصحاب تراجم این وصف را برای تفسیر فرات در آثار خود آورده‌اند؛ ولی چگونه ممکن است کتابی را که شعاع شهرتش از قرن دهم آن سوتر نمی رود و اساساً در قرون اولیه از آن نامی برده نشده است، در شمار آثار شناخته شده‌ای چون تفسیر عیاشی قرار داد؟ ۱۴۶

#### ۷. ذکر نام فرات در استاد تفسیر علی بن ابراهیم قمی آمده است و

همین امر در اعتبار وثاقت او کافی است. ۱۴۷

بحث در مورد تفسیر علی بن ابراهیم بسیار گسترده و

۱۳۹. این سخن از مرحوم مجلسی در بحار است که پیشتر نقل شد.

۱۴۰. مقدمه تفسیر فرات، چاپ نجف، ص ۱ و چاپ جدید، ص ۴۰.

۱۴۱. ر. ک: کلیات فی علم الرجال، جعفر سبحانی؛ اصول علم الرجال، آقای

داوری، ص ۴۷۹.

۱۴۲. تنقیح المقال، چاپ سنگی، ج ۲، ابواب الفاء، ص ۳.

۱۴۳. تفسیر فرات «مقدمه» ص ۵، چاپ نجف.

۱۴۴. ر. ک: اصول علم الرجال، ص ۴۹۵.

۱۴۵. ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۲۷.

۱۴۶. روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۵۴.

۱۴۷. اصول علم الرجال، ص ۲۸۹.

#### ۱. مطابقت مضمون روایات کتاب با روایت شیعه ۱۳۹

آنچه در این جا می توان گفت این است که اگر مقصود مطابقت مضمون تمامی روایات کتاب است، ما در بخش نخست این مقال نمونه‌هایی از روایات آن را که در تعارض صریح با مضامین روایات و باورهای شیعی است یادآور شدیم و اگر مراد این است که بعضی از روایات وارده در کتاب مطابقت با مضامین احادیث شیعه دارد، پذیرفته است؛ ولی با آن چیزی قابل اثبات نیست.

#### ۲. نقل مرحوم صدوق و والدش و ابن الولید از کتاب فرات ۱۴۰

در مورد مرحوم صدوق (ره) روشن شد که وی هیچگاه از تفسیر فرات روایتی نقل نکرده است. والد صدوق و ابن الولید نیز تنها مواردی از روایات را از شخص فرات بن ابراهیم نقل کرده‌اند. البته در جای خود به ثبوت رسیده است که نقل بزرگان نسبت به وثاقت راوی نمی تواند پشتوانه‌ای درخور باشد، جز در صورت فراوانی موارد ۱۴۱ و چنین امری نسبت به والد صدوق و ابن الولید ثابت نیست.

با فرض پذیرش اعتماد صدوق و دیگران و دلالت بر وثاقت شخص فرات، مشکل انتساب کتاب تفسیر به وی همچنان بر جای خود باقی است.

#### ۳. حسن ضبط در نقل احادیث

در این زمان با وجود اختلاف فراوان متنی و سندی در نسخه‌های مختلف کتاب فرات و عدم قدمت آنها، اساساً موضوع حسن ضبط نمی تواند قابل طرح باشد. افزون بر این همان طور که در بخش نخست این نوشته اشاره شد، موردی در این کتاب نقل شده که نام‌های امامان شیعه (ع) در آن حذف گردیده است و این امر ما را نسبت به وجود ضبط قابل قبول در این کتاب دچار تردید می کند.

#### ۴. اعتماد مرحوم مجلسی و شیخ حرّ عاملی بر آن

روشن است که چنین اعتماد بی قید و شرطی در عین اعتراف به مجهولیت خود فرات بن ابراهیم و بریدگی حدود هفت قرن در سابقه این تفسیر، چیزی جز یک حسن ظن نمی تواند تلقی شود

ذکری نرفته است. ۱۵۵

باید اضافه کرد که نه تنها این شخص بلکه مقداد بن علی الحجازی «و همان طور که اشاره شد» گویندهٔ اُنبأنا در ابتدای سند «یعنی مؤلف واقعی کتاب» هیچکدام شناخته شده نیستند و با توجه به عدم شهرت کتاب در بین قداما و فقدان طریق معتبر اساس اعتبار آن فرو می ریزد.

### نکته پایان: حرفی برای نگاهی دیگر:

با آن که این کتاب به عنوان تفسیر شناخته شده است، به ندرت می توان روایات تفسیری در آن یافت، و عمده احادیث آن را می توان به صورت زیر تقسیم کرد:

۱. روایاتی که در آنها آیات در شأن اهل بیت (ع) قلمداد شده و عناوین وارده در آیات بر آنان تطبیق گشته است. بخش عمده روایات کتاب در این مقوله است.

۲. روایات استطرادی به بهانه ذکر قصه یا حادثه ای که البته در آن آیه ای هم یاد شده است؛ مانند: داستانی که در ذیل آیه شریفه «هذا تأویل رؤیای ...» از سوره مبارکه یوسف آمده است.

۳. به ندرت روایتی در آن یافت می شود که از آن تفسیر و تأویلی می توان استفاده کرد؛ مانند روایتی که در ذیل آیات ۳۲ تا ۳۵ سوره فاطر ذکر شده است.

۴. گاهی هم روایاتی دیده می شود که نه جنبه تفسیری دارد و نه استطرادی و نه در شأن اهل بیت (ع) است.

درازدامن است و نیازمند به مجالی دیگر؛ اما در یک سخن می توان گفت امروز بر اثر تحقیقات عمیق و دامنه دار بزرگان فن<sup>۱۴۸</sup> ارجح و اعتبار این تفسیر رخنه هایی چند وارد شده است و با فرو ریختن این مبنا تکیه بر آن برای اثبات وثاقت شخص و اثری دیگر روا نیست.

### ۸. تفسیر فرات متواتر است و نیازی به طریق ندارد. ۱۴۹

معلوم نیست که این سخن از کیست، ولی روشن است که این ادعا به کلی فاقد پشتوانه است و اساساً نسبت به کتابی این چنین طرح احتمال تواتری معنا است.

### تفسیر فرات در نگاه تحقیق

این کتاب برحسب یک شمارش ۱۵۰ و ۷۶۶ برحسب شمارش دیگر ۱۵۱ و ۷۷۵ حدیث را در خود دارد. مؤلف ناشناخته آن از آغاز کتاب تا حدیث چهلم، روایات را به اسناد متصل آورده و پس از آن به ذکر احادیثی می پردازد که یا مرسل است یا در حکم مرسل. مقصود از «در حکم مرسل» این است که می گوید: حدیثی معنعناً؛ یعنی: در اصل مسند بوده ولیکن اسناد آن به عللی حذف شده است. بدین صورت بیش از چهارصد و پنجاه حدیث می آورد. سپس نزدیک به صد حدیث مسند و دوباره مرسل تا پایان کتاب به استثنای احادیث مربوط به سوره های کافرون و اخلاص و فلق و ناس.

از اشکالات عمده احادیث مسند این کتاب، ناشناخته بودن رجال اسناد است<sup>۱۵۲</sup> و می توان گفت: اشکال مهم تر آن با توجه به ابتدای کتاب و احادیث بی سند، آن است که این تفسیر را اساساً جزء آثار مقطوع الاسناد قرار می دهد. ۱۵۳

همان طور که مرحوم علامه تهرانی فرموده است: «از بیشتر کسانی که در اسناد این تفسیر آمده، نام و نشانی در اصول و منابع رجالی نیست. در آغاز بعضی از نسخه های این کتاب اسنادی غریب<sup>۱۵۴</sup> به چشم می خورد: «أنبأنا ابوالخیر مقداد بن علی الحجازی المدني، - حدثنا ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن العلوی قال حدثنا الشیخ الفاضل استاذ المحدثین فرات بن ابراهیم الکوفی ...» مرحوم علامه تهرانی (ره) ادامه می دهد که از این ابوالقاسم حسنی در اصول و منابع رجالی ما

۱۴۸. ر. ک: کلیات فی علم الرجال، ص ۳۰۹-۳۲۰؛ مشایخ الثقات، میرزا غلامرضا عرفانیان، الحلقة الاولى، ص ۲۰، ذیل صفحه؛ اصول علم الرجال، ص ۱۶۳-۱۸۰، به ویژه، ص ۱۷۸، ردیف ۲۶۸.

۱۴۹. اصول علم الرجال، ص ۲۸۹.

۱۵۰. برحسب شمارش استاد آیه الله داوری در اصول علم رجال (ص ۲۸۹) که از روی چاپ نجف شمارش شده است.

۱۵۱. مطابق شمارش چاپ جدید تفسیر فرات. ر. ک: ص ۶۲۱.

۱۵۲. برگرفته شده و تلخیص از اصول علم الرجال، ص ۲۸۹.

۱۵۳. ر. ک: صیانة القرآن من التحریف، آیه الله استاد معرفت، چاپ جامعه مدرسین، ص ۲۳۵.

۱۵۴. مقصود از غریب در این جا غیر از معنای اصطلاحی این واژه در علم الحدیث است، بلکه از آن سندی ناشناخته و غیر متداول و شاذ، مراد است.

۱۵۵. اللریمه، ج ۴، ص ۲۹۸ و ۲۹۹.

نگاهی به تفسیر فرات کوفی

